

بررسی عوامل همگرایی در روابط ایران و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت نواحی مرزی

جواد کیانی^۱

مریی گروه علوم و فنون مرزبانی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)

علیرضا زرگر^۲

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین

محمد بنی مسنی^۳

دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

موسی رشید حفظ آباد^۴

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد شهرضا

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۸

چکیده

زمینه و هدف: امنیت و آرامش مرزهای سیاسی از عواملی است که به توسعه هر کشوری منجر می‌شود. در سال‌های اخیر برخی اقدامات کشورهای همسایه یا کشورهای فرا منطقه‌ای، در مناطق مرزی ایران، زمینه‌های ناامنی را فراهم کرده است. با درک این مفهوم، ویژگی‌های مرزهای شرقی ایران و روابط ایران و پاکستان را با نگاهی دقیق‌تر بررسی می‌کنیم و به مشکلات مناطق مرزی مشترک دو کشور می‌پردازیم. این تحقیق با هدف بررسی عوامل واگرایی بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان و تأثیر آن بر امنیت مرزهای دو کشور انجام گرفته است. روش: در این پژوهش نحوه جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای (کتاب، مقالات، سایت‌های معتبر اینترنتی و ...) و روش تحقیق نیز توصیفی-تحلیلی است. یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی چون تاریخی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به‌عنوان عوامل همگرایی در برهه‌های مختلف در تحکیم امنیت مرزهای دو کشور و جلوگیری از تجزیه‌طلبی قومی تأثیر داشته است.

واژه‌های کلیدی: عوامل همگرایی، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری اسلامی پاکستان، مرز.

1. kiani.javad2014@gmail.com

2. a.zargar.1976@gmail.com

3. mohamadbani69@gmail.com

4. moussa.rashid@yahoo.com



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

مقدمه

از اهداف مهم و اساسی کشورها حفظ امنیت در مرزهاست. در واقع، امنیت داخلی هر کشور اعم از امنیت ملی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، به حفظ امنیت در مرزها بستگی دارد و با کمی دقت درمی‌یابیم که امنیت کشورها متأثر از امنیت مرزهاست و اینجاست که نقش تعیین‌کننده تأمین امنیت مرز مشخص می‌شود. امنیت مرزی به معنای جلوگیری و پیشگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل‌ونقل حیوانات اهلی با رعایت کلیه ضوابط قانونی، از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است. بنابراین، امنیت در ابعاد متنوع خود در داخل کشور، بستگی به پشتوانه اصلی خود، یعنی امنیت مرزها دارد و هرگونه ناامنی در مرز می‌تواند در ثبات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور مشکلات بزرگی ایجاد کرده و باعث اختلال شود و در مقابل امنیت مطلوب نیز قادر است در حد خود، در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم برجسته‌ای را داشته باشد (خطابی، ۱۳۷۴: ۸۵).

مرزها در روابط سیاسی دو کشور همسایه عامل مهمی محسوب می‌شوند. چنانچه امنیت کشوری از طرف مرزهای مشخص مختل و نآرام شود، مسلماً روابط بین آن کشورها تیره و در صورت افزایش بحران موجب قطع روابط می‌شود. شناخت عوامل مؤثر در نوع سیاست‌گذاری، برای حفظ امنیت مرز حائز اهمیت است. یکی از مرزهایی که امنیت آن نیاز به جست‌وجوی مدل‌های کنترلی و سیاست‌گذاری‌های خاص دارد، مرز جمهوری اسلامی ایران با جمهوری پاکستان است. روابط ایران و پاکستان، به‌عنوان دو کشور همسایه، با توجه به قرابت جغرافیایی و داشتن نقاط مشترک فراوان می‌تواند در فضای ویژه و مجزا تحلیل شود. این کشور با داشتن مرزهای مشترک و طولانی و روابط راهبردی در زمینه‌های گوناگون، از کشورهای مهم برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. روابط ایران و پاکستان سابقه طولانی دارد. این روابط برخاسته از دیدگاه‌ها و میراث مشترک فرهنگی و سیاسی دو کشور است. میراث مشترکی که طیف وسیعی از مسائل فرهنگی، زبانی و مذهبی را دربر می‌گیرد و تاریخچه طولانی دارد (واعظی، ۱۳۹۰: ۱۷).

مناسبات دو کشور ایران و پاکستان پس از استقلال پاکستان در آبان ماه ۱۳۲۶ه.ش و شناسایی این کشور از طرف دولت ایران و تأسیس سفارت ایران در کراچی آغاز شد که



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۴

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

همزمان با این بازگشایی، مقامات دو کشور ملاقات متعددی با یکدیگر داشته‌اند. به موازات افتتاح سفارت ایران در کراچی (پایتخت آن زمان پاکستان)، لیاقت علی‌خان، نخست‌وزیر پاکستان در ماه می ۱۹۴۹ م از ایران دیدار کرد. محمدرضا پهلوی، شاه ایران نیز اولین رئیس دولتی بود که در مارس ۱۹۵۰م از پاکستان دیدار داشت و در همان ماه یک پیمان دوستی بین دو کشور به امضا رسید (علی‌خان، ۲۰۰۴: ۱۷۴).

با این حال، نقطه اوج روابط رو به رشد ایران و پاکستان را باید عضویت دو کشور در سازمان‌های منطقه‌ای دانست. از جمله این پیمان‌ها می‌توان به پیمان نظامی سنتو (CENTO) اشاره کرد. همچنین تشکیل سازمان همکاری منطقه‌ای (RCD)، توسط ایران و پاکستان همراه با ترکیه، یک اقدام اساسی و مهم در همکاری‌های دو کشور به حساب می‌آید (منتظران و ممتاز، ۲۰۰۴: ۲۵).

با توجه به روابط دیرینه بین ایران و پاکستان و میزان خوب روابط، مسائل امنیتی از جمله مسائل مرزی و امنیتی، حوزه مهمی از روابط را شکل می‌دهد. کمک پاکستان به هسته‌ای شدن ایران و همچنین، امنیتی شدن مرزهای دو طرف با توجه به خطر تجزیه‌طلبی و گروه‌های بنیادگرا و سلفی، بخشی از مسائل امنیتی مهم را در روابط دو طرف، در طول سال‌های اخیر تشکیل داده است. با توجه به این مقدمه، این پژوهش درصدد است که به تبیین عوامل مؤثر بر همگرایی در روابط ایران و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت نواحی مرزی بپردازد. بر این اساس، پرسش اصلی ما در مقاله حاضر این است که عوامل مؤثر بر همگرایی در روابط بین ایران و پاکستان کدامند؟ و تأثیر آن بر امنیت نواحی مرزی چگونه است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه اساسی مقاله این است که فاکتورهایی چون عوامل تاریخی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به‌عنوان مؤلفه‌های همگرایی در برهه‌های مختلف در تحکیم امنیت مرزهای دو کشور و جلوگیری از تجزیه‌طلبی‌های قومی تأثیر داشته است.

پیشینه

محمدی و احمدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی زمینه‌های همگرایی ایران و پاکستان، تبیینی از سه رویکرد ژئوکالچر، ژئواکونومی و ژئوپلیتیک»، با طرح سؤالی با این عنوان که ایران و پاکستان چگونه می‌توانند روابط همگرایی را تجربه کنند، به این موضوع پرداخته‌اند.



فرضیه مطرح شده از طرف نویسندگان بدین صورت بوده است که به‌رغم تنش‌های بسیاری (و تا حدی ناخواسته) که وجود دارد، بسترهای همگرایی و روابط دو کشور مهیاست. به‌صورت تاریخی، دو کشور دارای پیوندهای فرهنگی، ژئوپلیتیکی و جغرافیایی فراوانی هستند. این مهم خود مدخلی است برای نیل به روابط مطلوب‌تر در سایر زمینه‌ها، به‌طوری‌که دو کشور قادرند با مشارکت بهتر و جدی‌تر در گروه‌بندی‌های منطقه‌ای نظیر پیمان‌های سیاسی و اقتصادی شانگهای و پیمان اقتصادی اکو، سازمان کشورهای اسلامی و گروه موسوم به دی هشت، با ماهیت دوگانه ژئوپلیتیک-ژئواکونومی، روابط مابین را ارتقا بخشند. همچنین صادرات و واردات غیر انرژی (کالاهای غیرنفتی) و انرژی (منابع گازی و سایر منابع فسیلی)، می‌تواند بخشی از روابط ایران و پاکستان باشد.

حمیدی و اشرفی گل (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «واکاوی روابط خارجی ایران و پاکستان در پرتو نظام بین‌الملل طی سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۹۴م» به این موضوع پرداخته‌اند. در این پژوهش بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و مبتنی بر اسناد و مدارک تاریخی، عوامل مؤثر بر روابط خارجی دو کشور ایران و پاکستان در سه سطح روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از زمان استقلال پاکستان تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران بررسی و تحلیل شده است. سطح روابط دو کشور تحت تأثیر نگرانی‌های امنیتی پاکستان و ساختار نظام دوقطبی، بالا بود. دو کشور همزمان وارد پیمان بغداد- سنتو شدند و هر دو از ارکان سه‌گانه در تشکیل سازمان همکاری عمران منطقه‌ای بوده‌اند، همچنین روابط فرهنگی دو کشور در سطح گسترده‌ای قرار داشت. با این حال، با وجود روابط گسترده سیاسی- فرهنگی به سبب وجود اقتصاد مشابه و نه مکمل، روابط اقتصادی‌شان در قالب چند توافقنامه باقی ماند.

طالبی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «همگرایی قومی- مذهبی مرزنشینان و نقش آن در امنیت مرز ایران و پاکستان» به این موضوع پرداخته است. در این پژوهش که به روش کمی و با انجام یک کار میدانی صورت گرفته، نویسنده به این نتیجه رسیده است که رابطه معنی‌داری بین همگرایی سیاسی، فرهنگی و ارزشی اقوام و مذاهب مرزنشین و امنیت پایدار مرز وجود دارد.

جوادی ارجمند و بیدالله خانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ژئواستراتژیکی روابط

ایران و پاکستان با تأکید بر عامل امنیتی» به این تحقیق پرداخته و نتیجه این کار پژوهشی بر این بنیان استوار است که مهم‌ترین متغیر در روابط بین ایران و پاکستان بعد از انقلاب اسلامی، به‌طور عام و پس از ۱۱ سپتامبر به‌طور خاص، عامل امنیت استراتژیک در محیطی ژئواستراتژیک در منطقه است. در واقع، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دو طرف و مسائل امنیتی بین آنها، روابط فی‌مابین دو کشور و نگاه استراتژیک سیاست‌گذاران دو طرف به یکدیگر در زمینه‌های مختلف از مجرای محیط ژئواستراتژیک امنیتی و افزایش توان امنیتی خود در منطقه است.

محمدی و احمدی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل دوسطحی از ژئوپلیتیک و اگرایی روابط ایران و پاکستان، سناریوهای آینده این روابط و ارائه راهکارهای همگرایی» به روابط و اگرایی و همگرایی بین ایران و پاکستان در آینده پرداخته‌اند که در این پژوهش، عوامل و اگرایی دو کشور به دو سطح اصلی (عواملی که به‌طور سنتی در و اگرایی دو کشور دخیل‌اند) و هم تکمیلی (نقش اساسی عربستان سعودی در روند و اگرایی دو کشور، اختلافات دو کشور در افغانستان، نوع برخورد و منطق ایران در منازعات هند و پاکستان) تقسیم شده‌اند. با تبیین و تحلیل‌های انجام گرفته در پژوهش مذکور، زمینه‌های و اگرایی روابط، براساس تلفیقی از سطوح مزبور، سناریوهایی را در جهت همگرایی دو کشور ارائه داده است. سناریوهای پیشنهادی عبارت‌اند از: ۱. لزوم تنش‌زدایی روابط ایران با عربستان سعودی؛ ۲. اهمیت حل بحران سیاسی افغانستان؛ ۳. اهمیت جایگاه (انرژی) ایران در روند همگرایی هند و پاکستان و ۴. مشارکت دوجانبه در سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی.

موسوی و نایب‌پور (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان چالش‌های مرزی ایران و پاکستان، به موضوع مذکور پرداخته‌اند که در آن به اختلافات مرزی بین ایران و پاکستان، بایسته‌های مدیریت مرز مشترک دو کشور و نقاط ضعف و قوت در مرز بین آن دو اشاراتی شده است. نتیجه‌گیری نویسندگان در کتاب مذکور بدین شیوه است که تقویت روابط بین دو کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط مستقیمی با امنیت مرزهای آنان دارد.

در خصوص روابط بین ایران و پاکستان پژوهش‌های متعددی در مجلات علمی و دانشگاهی انجام شده است که در بالا به تعدادی از آنها اشاره شد. بنابراین، هیچ‌کدام از



این پژوهش‌ها به صورت مبسوط و صریح به روابط بین ایران و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت مرزهای دو کشور پرداخته‌اند. با در نظر گرفتن این موضوع که نویسنده حاضر یکی از پژوهشگران حوزه امنیت در مرزهای ایران اسلامی است، لازم دانسته به جهت اهمیت امنیت در مرزهای کشور، به این موضوع پردازد.

چارچوب نظری

آرمان وحدت منطقه‌ای از دیرباز الهام‌بخش ایدئالیست‌ها و جنبش‌های فکری وابسته به آن بوده است. از روزگاران قدیم فلاسفه با تکیه بر نظریه‌های اجتماعی منبعث از قانون طبیعت و تعلیمات مذهبی، تشکیل جوامع بزرگ را برای نیل به وحدت نوع بشر ضروری می‌دانستند. افلاطون، طبیعت‌ناتوان انسان را موجب تشکیل جامعه، به منظور همکاری و رفع نیازهای بشری تلقی می‌کرد. ابن خلدون نیز معتقد بود بدون همکاری و همبستگی و تعاون، بقای جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود. یعنی بشر محکوم به همیاری در جامعه است. این اندیشمند انگیزه گرایش انسان به اجتماع را بعد از تأمین نیازهای اولیه مادی، نیاز به امنیت و مصون بودن از آسیب و خطرات و تهدیدات محیط و سلطه‌گران می‌داند. ژان ژاک روسو در رساله قرارداد اجتماعی خود، اندیشه خیر مشترک را برای افراد جامعه مطرح می‌کند که جهت نیل به آن، همگان باید در کنار یکدیگر و باهم تلاش کنند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۲۹-۲۲).

در فلسفه سیاسی معاصر نیز طیف وسیعی از این نظریه‌پردازان قرار گرفته‌اند که منشعب از مکاتب سیاسی کلاسیک با تعابیر و انگیزه‌های مختلف هستند و بنابر شرایط زمان و مکان متحول شده‌اند. در مباحث بعدی به این نظریات اشاره می‌کنیم. اندیشمندان تئوری همگرایی، فرضیاتی که رئالیست‌ها در مورد سرشت رقابت‌آمیز و ستیزآمیز میان روابط دولت‌ها را به‌عنوان محور اساسی در نظام بین‌الملل مطرح می‌کردند، زیر سؤال برده‌اند. رئالیست‌ها در روابط بین‌الملل دولت‌ها را اصل می‌دانند و اینکه هر کشور مسئول خود است. اندیشمندان همگرایی به‌جای سرشت ستیزآمیز، روابط فنی، اقتصادی و اجتماعی جوامع انسانی، روابط غیرسیاسی در مرحله شکل‌گیری را محور و پایه رهیافت همگرایی قرار دادند. این نظریه بیشتر بعد از پایان جنگ سرد در عرصه روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفت. طبق این نظریه دولت‌ها داوطلبانه و خودخواسته بخشی از اقتدار خود را، در جهت



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۸

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸



رسیدن به اهداف مشترک و منافع بهتر، به یک نهاد فوق ملی واگذار می‌کنند. در واقع، یکی از اهداف محوری در مطالعات بین‌المللی، تشخیص و تحلیل نیروهایی است که در ایجاد تفاهم، همبستگی و وحدت ملت‌ها و جوامع سیاسی به ایفای نقش می‌پردازند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۲۰). ارنست هاس همگرایی را چنین تعریف می‌کند: فرایندی که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی آنها به سمت مرکز جدیدی که در نهادهایش دارای اقتدار قانونی یا خواهان اختیارات قانونی دولت-ملت‌ها باشد، سوق دهند (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

همگرایی ممکن است هم به صورت یک فرایند و هم به صورت یک هدف مورد مطالعه قرار گیرد. به عنوان یک فرایند، حرکتی است در راستای افزایش همکاری میان دولت‌ها و انتقال تدریجی اقتدار به نهادهای فوق ملی. همچنین به عنوان یک هدف، اقدامی است در راستای همگون‌سازی تدریجی ارزش‌ها و در نهایت ظهور یک جامعه مدنی جهانی. البته اگر همگرایی از طریق زور و اجبار باشد، جنبه امپریالیستی پیدا می‌کند. بنابراین، همگرایی باید با خواست و اراده دولت‌ها باشد. بدین ترتیب، همگرایی میان دولت‌ها، یک نوع پیکربندی جمعی از لحاظ تصمیم‌گیری را به وجود می‌آورد که با روابط فرا دولتی سروکار دارد تا میان دولتی. طبق این اجتماع ایجادشده، خود را برای توزیع کالاها و خدمات میان واحدهای متشکله مسئول می‌داند (قوام، ۱۳۸۴: ۴۳).

برخی همگرایی را دارای دو بُعد مثبت و منفی می‌دانند. به گونه‌ای که همگرایی منفی، به سیاست‌های رفع تبعیض و عوارض گمرکی و همگرایی مثبت به تدوین و اجرای سیاست‌های هماهنگ مربوط می‌شود (کولایی، ۱۳۷۷: ۱۱). در جنبه مثبت کشورهای که تولید داخلی ضعیفی دارند، بیشتر متضرر می‌شوند تا کشورهای که دارای اقتصاد قوی و پیشرفته هستند. رابرت کوهین و جوزف نای طی مقاله‌ای در سال ۱۹۷۵م. مفهوم وابستگی متقابل بین‌المللی و همگرایی را بسط دادند. در سال ۱۹۷۵ ارنست هاس، کتاب رژیم‌ها و نهادگرایی منطقه‌ای را مطالعه کرد و از آن تأثیر پذیرفت (عسگرخانی، ۱۳۸۱: ۱۸۸).

مفهوم همگرایی به طور عمده از سال ۱۹۴۵ میلادی در چارچوب منطقه‌گرایی^۱، در اروپای غربی مطرح شد و از دهه ۱۹۵۰ بیشتر مورد توجه قرار گرفت. همگرایی را به بهترین وجه

1. regionalism

به صورت یک فرایند باید تجزیه و تحلیل کرد، زیرا حرکتی است در زمینه افزایش همکاری میان دولت‌ها و واحدهای مستقل. از جمله صاحب‌نظرانی که همکاری را یک فرایند، یعنی تحقق همکاری به صورت تدریجی و با گذشت زمان می‌دانند، می‌توان به لئون لیندبرگ، ارنست هاس، یوهان گالتونگ و... اشاره کرد. در مقابل اتریونی و فدرال‌گرایان (فردریش و رایکر) همکاری را محصول نهایی فعل و انفعالات چندین واحد سیاسی تلقی می‌کنند. اتریونی معتقد است که همکاری سیاسی یک وضعیت نهایی و وحدت سیاسی فرایندی است که در نتیجه به همکاری سیاسی مبدل می‌شود (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۰: ۶۶۹).

از لحاظ سطح تحلیل سه سطح را باید برای مطالعات همکاری در روابط بین‌الملل در نظر گرفت.

سطح اول: همکاری در سطح نظام، که اشاره به فرایندی دارد که طی آن دولت‌ها بخشی از اقتدار و قدرت تصمیم‌گیری خود را به نهادهای فوق ملی در مقیاس جهانی انتقال می‌دهند، که باعث بالا بردن کارایی تصمیم‌گیری بر پایه رفتارهای جمعی می‌شود. برای مثال می‌توان سازمان ملل را در این سطح قرار داد.

سطح دوم: سطح همکاری منطقه‌ای است که به موجب آن، تعدادی از دولت‌هایی که در مجاورت با یکدیگر قرار دارند، گرد هم آمده و یک اتحادیه سیاسی و اقتصادی فدرال را مانند اتحادیه اروپا به وجود می‌آورند.

سطح سوم: ارتباط مستقیم به ویژگی‌های ساختاری دولت‌ها بستگی دارد. هرچه واحدهای سیاسی از درجه بالای توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... برخوردار باشند، بر میزان همکاری تأثیر زیادی دارد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۰: ۴۵-۴۴). اندیشمندان درباره نحوه جابه‌جایی و سپردن نهادهای تصمیم‌گیری مستقل دولتی به یک نهاد منطقه‌ای و فراملی اختلاف نظر دارند. این تفاوت دیدگاه‌ها شامل دو مفهومی است که از همکاری برداشت می‌شود. چراکه بعضی از اندیشمندان به همکاری به عنوان یک فرایند می‌نگرند و برخی آن را یک وضعیت تلقی می‌کنند. ولی با وجود چنین اختلافاتی، اکثر کارشناسان بر این مسئله اشتراک نظر دارند که همکاری را می‌توان فرایندی تلقی کرد که واحدهای سیاسی جدا و مستقل از یکدیگر، به‌طور داوطلبانه، در مراحل اولیه بخشی از اقتدار خود و در نهایت از تمام اقتدار خود در جهت رسیدن به هدف‌های مشترک و کسب منافع، صرف‌نظر می‌کنند تا



از یک نهاد فوق ملی و منطقه‌ای پیروی کنند. ارنست هاس همگرایی را یک فراگرد می‌داند که حول محور آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل هر کشوری به این درک می‌رسند که منافع آنها در وحدت و تأسیس مرکز جدیدی است که جایگزین دولت‌های ملی شود (Wolfagan, 1994: 16).

بنابراین، همگرایی متغیری وابسته است که از طریق مجموعه‌ای از علل و شرایط به وجود می‌آید و کشورها را از حالت خودمحوری (دولت‌محوری) به حالت تجمع‌گرایی (نهادمحوری منطقه‌ای) سوق می‌دهد. این فرایندی یکپارچه و پویاست و مرحله‌به‌مرحله طی می‌شود.

انواع همگرایی

الف) همگرایی سیاسی: به هماهنگی در زمینه سیاست‌ها و تصمیم‌گیری واحدهای مختلف اطلاق می‌شود.

ب) همگرایی اجتماعی: این نوع از همگرایی پیش‌زمینه و تسهیل‌کننده همگرایی‌های سیاسی و اقتصادی است. نظریه‌پردازانی چون کوهن و نای، برای توسعه ارتباطات اجتماعی، بیش از عوامل دیگر در تحقق همگرایی اهمیت قائل‌اند. اندیشمندانی چون کارل دویچ، توسعه مبادلات اجتماعی را در ایجاد هویت نزدیک، تصور منافع مشترک و پیوند جامعه مؤثر می‌دانند. در واقع، از نظر دویچ همگرایی اجتماعی بیشتر به ارتباطات فردی شامل توریسم، ارتباطات فرهنگی، تجارت و... اشاره می‌کند.

ج) همگرایی اقتصادی: این برداشت از همگرایی، بیشتر به مسائل اقتصادی در چارچوب ایجاد اتحادیه‌های گمرکی و وضع تعرفه‌های خاص در روابط کشورهای عضو یک اتحادیه اقتصادی مربوط می‌شود و از این مدل به‌عنوان عاملی برای رشد اقتصادی جوامع یاد می‌شود که به افزایش روابط اقتصادی و تجاری بین کشورها مثل جریان آزاد سرمایه و نیروی کار تأکید دارند.

مفروضه‌های همگرایی

نخستین مفروض همگرایی اصل تسری است. یعنی نوعی منطق تدریج‌گرایی فزاینده بر رفتار بشر حاکم است. توجه واقع‌گرایانه این نظریه به ناتوانی انسان در رفع نیازهای اجتماعی و تلفیق آن با



آرمان‌گرایی در این نظریه، موجب پیدایش این ایده می‌شود که به تدریج جوامع ملی را فرامی‌گیرد و دامنه فعالیت مشترک اعضا افزایش می‌یابد که در نتیجه باعث تأمین منافع اعضا می‌شود.

دومین مفروضه همگرایی منطقه‌ای پیوند مسائل فنی و اقتصادی با مسائل سیاسی است. یعنی همگرایی با مسائل غیرسیاسی و فنی مثل بازرگانی شروع می‌شود و سپس به حوزه‌های دیگر کشیده می‌شود. در بین نظریه‌پردازان همگرایی، فقط میترانی تفاوتی بین مسائل فنی و سیاسی قائل نیست، در حالی که دیگر نظریه‌پردازان نوکارکردگرا به تفکیک این مسائل از یکدیگر معتقدند و امیدوارند که همکاری فنی سرانجام زمینه را برای همکاری سیاسی و همگرایی فراهم کند.

سومین فرض این است که همگرایی منطقه‌ای از اهمیت جغرافیایی ناشی می‌شود. این دسته از نظریه‌پردازان میان مناطق جغرافیایی و فرهنگی با گرایش به همگرایی نوعی پیوند قائل‌اند. به نظر این دسته از اندیشمندان، زمانی که تجانس‌های جغرافیایی، فرهنگی با مشترکات کارکردی و فنی عجین شود، زمینه را برای همگرایی فراهم می‌کند (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۴۰۳).

روش‌شناسی

این مقاله توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از روش اسنادی تدوین شده است. در روش اسنادی که روشی کیفی است پژوهشگر تلاش می‌کند تا با استفاده از نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش اقدام کند. استفاده از اصطلاح روش کتابخانه‌ای به جای روش اسنادی، کاملاً تقلیل‌گرایانه است. زیرا نخست در روش اسنادی می‌توان از اسناد غیر کتابخانه‌ای بهره برد و دوم اینکه فن‌های متعددی در روش اسنادی به کار گرفته می‌شوند که بسیار روشمندتر از خواندن چند متن قابل دسترس در کتابخانه است (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴). روش اسنادی - روش مشترک پارادایم‌های مختلف - روشی است که هرچند ریشه در سنت پارادایم تفسیری دارد، مفاهیم نظریات درباره پدیده‌های اجتماعی در اسناد و متون بازتاب می‌یابد. روش اسنادی در نقد مکاتب و نظریه‌ها و همچنین، بسط مفاهیم و گزاره‌های اساسی نظریات استفاده می‌شود. روش اسنادی پژوهشگر را درگیر میدان نمی‌کند. مراحل پژوهش اسنادی عبارت‌اند از: ۱. انتخاب موضوع، تعیین اهداف و سؤالات؛ ۲. بررسی‌های اکتشافی و پیشینه پژوهش؛ ۳.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۶۲

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

انتخاب رویکرد نظری؛ ۴. گردآوری منابع، نمونه‌گیری و فن‌های بررسی منابع مرور نظام‌مند، طبقه‌بندی و جداول مفهومی؛ ۵. پردازش ارزیابی مجدد، نگارش و گزارش (جمع‌بندی و ارائه نظرگاه) (همان).

در این تحقیق سؤال اصلی این بوده که عوامل همگرایی در روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری پاکستان کدامند؟ و تأثیر آن بر امنیت مرزهای دو کشور چگونه است؟
براساس مطالعات اولیه، این فرضیات شکل گرفته که فاکتورهایی چون عوامل تاریخی و مذهبی، عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی، نظامی و عوامل اقتصادی در برهه‌هایی از دو دهه گذشته به امنیتی شدن مرزهای دو کشور منجر شده است.
برای گردآوری اطلاعات، به‌منظور پاسخگویی به سؤال تحقیق و ارزیابی فرضیه از روش‌های زیر استفاده شده است:

۱. روش کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی: برای مطالعه پیشینه موضوع و تهیه مباحث نظری و غیره.
۲. روش اسنادی و آرشیو: جهت تهیه اطلاعات مربوط به مؤلفه‌های واگرایی.

بحث و یافته‌ها

مهم‌ترین عوامل مؤثر در همگرایی روابط ایران و پاکستان

عوامل مذهبی

دین اسلام: امروزه مهم‌ترین فرایند سیاسی در ارتباط با جوامع اسلامی به خصوص خاورمیانه، روابط منازعه‌آمیز دولت‌های اسلامی است، تاجایی که واگرایی و منازعه در طی چند دهه اخیر همواره بر فرایند همگرایی میان دولت‌ها و جوامع اسلامی غلبه کرده است. این منازعه به‌طورکلی در دو سطح داخلی میان قومیت‌ها و فرقه‌های مختلف جوامع اسلامی و در سطح بیرونی در تعاملات بین دولتی نمود داشته است. در این راستا، به نظر می‌رسد که شناخت اصول و مبانی قرآنی در ارتباط با تنظیم روابط میان دولت‌ها و جوامع اسلامی در راستای همگرایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (صالحی، ۱۳۹۶: ۷۳). کشور پاکستان، در اصل با نام دین اسلام و به نام کشوری خاص مسلمانان شبه‌قاره هند، در سال ۱۹۴۷ میلادی توسط محمدعلی جناح تأسیس شد و حتی این نام نیز به لحاظ اعتنای بر دین اسلام (پاک) انتخاب شده است (حافظ‌نیا و قالیباف، ۱۳۸۰: ۲۱). پاکستان کشوری است که



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

تنها علت وجودی آن دین اسلام است و نوع حکومت آن اسلامی است و این عامل، می تواند بزرگترین عامل در همگرایی دو کشور ایران و پاکستان باشد (عطایی و شهوند، ۱۳۹۱: ۳۰). هرچند عربستان سعودی در رقابت با ایران و سایر کشورهای منطقه، معادله ژئوپلیتیکی ایران با همسایگانش به ویژه افغانستان و پاکستان را پیچیده ساخته است، اما شاید این یکی از عواملی بود که موجب شد ایران پس از خاتمه جنگ تحمیلی، از صدور انقلاب اسلامی در منطقه به ویژه خلیج فارس کمتر سخن به میان آورد. با نظر به اینکه فقط حدود ۲۴۰ میلیون نفر از مسلمانان شیعه هستند و جمعیت زیادی از جهان اسلام (حدود یک میلیارد و دویست میلیون نفر) را مسلمانان اهل سنت تشکیل می دهند، ایران و پاکستان براساس دین اسلام می توانند روابط ژئوپلیتیکی مطلوب با یکدیگر برقرار کنند (مسعودینا، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

عوامل فرهنگ

هویت مشترک ایرانی در دو کشور ایران و پاکستان: پراکندگی اقوام بلوچ در سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان می تواند عاملی برای پیشرفت مناطق مرزی باشد، به شرطی که اشتراکات فرهنگی و سیاسی در جهت تقویت روابط ایران و پاکستان باشد. در سال های اخیر برگزاری «اجلاس علامه اقبال لاهوری» در مؤسسه مطالعات بین المللی و سیاسی تهران مهم ترین رابطه فرهنگی میان دو کشور محسوب می شود (کلهر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۸).

فرهنگ مشترک: پیشینه، گستردگی و عمق مشترکات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با پاکستان را می توان در دو مقطع تاریخی بیان کرد که هرکدام از این دو مقطع ویژگی هایی دارند: الف) پیش از اسلام: دوره اول مربوط به پیش از اسلام است که تاریخ و فرهنگ دو سرزمین را به هم مربوط می کند، در این دوره ریشه های عمیق فرهنگی اعم از نژادی و زبانی، آثار مشترکی را برای دو ملت به همراه داشته است. در آثار به جامانده از تمدن درخشان «موهنجودارو» که در وادی سند و در سال های ۲۵۰۰-۱۵۰۰ پیش از میلاد وجود داشته، ارتباط و شباهت هایی مشاهده می شود. با ورود آریایی ها به این سرزمین شباهت های بسیاری در افسانه ها و اسطوره های دو ملت ایجاد شد. به همین دلیل، برخی از زبان شناسان معتقدند که زبان های سانسکریت، فارسی باستان و اوستایی از یک ریشه نشأت می گیرند. آثار مستندی از زمان هخامنشیان موجود است که نشان می دهد منطقه شبه قاره در آن روزگار خراج دهنده



حکومت مرکزی ایران بوده و از آن زمان، زبان فارسی مهم‌ترین عامل در روابط فرهنگی ایران و آن مناطق به شمار آمده است. در زمان ساسانیان نمونه‌های پیوستگی‌های فرهنگی را مشاهده می‌کنیم. در این دوره آمدوشد ایرانیان به منطقه شبه‌قاره رو به فزونی نهاد.

ب) دوره پس از اسلام: در این دوره افزون بر مشترکات تاریخی و فرهنگی، دین نیز یک عامل مشترک بسیار نیرومند در همسویی دو ملت بود. بعدها در پی حضور «محمود غزنوی» در منطقه شبه‌قاره و حضور هزاران سرباز مسلمان، ادیبان و دانشمندان، زبان فارسی به همراه هنر، آداب و رسوم ایرانی به‌طور جدی و همه‌جانبه وارد این سرزمین شد و تمدن ایرانی را ریشه‌دار ساخت. ضمن آنکه عالمان و عارفان ایرانی بسیاری در تبلیغ و ترویج و گسترش اسلام در این مناطق نیز منشأ اثر بوده‌اند. پس از استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷، ایران اولین کشوری بود که استقلال پاکستان را به رسمیت شناخت و با این کشور پیمان دوستی امضا کرد. زبان مشترک: زبان فارسی برای قرن‌ها زبان رسمی و دیوانی منطقه شبه‌قاره بود تا اینکه انگلستان پس از تسلط بر این منطقه، سیاست زدودن فرهنگ ایرانی را در پیش گرفت و زبان انگلیسی را ترویج و گسترش داد. پس از استقلال پاکستان زبان اردو، زبان رسمی کشور انتخاب شد. حدود ۶۰ درصد از واژه‌های زبان اردو، فارسی است یا ریشه فارسی دارد، به‌گونه‌ای که بسیاری از زبان‌شناسان زبان اردو را دختر زیبای زبان فارسی می‌دانند.

رسم الخط: رسم الخط اردو و فارسی یعنی نستعلیق میان هر دو زبان مشترک است، اگرچه در شیوه نگارش زبان اردو از حیث کرسی‌بندی و ترکیب از رسم الخط ایرانی الگوبرداری نشده و از زیبایی آن کاسته شده است.

نوروز (جشن بهاران): برگزاری نوروز در میان شیعیان پاکستان مرسوم است با این تفاوت که مدت آن فقط یک روز است. برخی خانواده‌ها انداختن سفره هفت‌سین و گل سرخ هنگام تحویل سال و پوشیدن لباس نو و هدیه به فرزندان و اقوام را جزو سنت‌های خود می‌دانند، اما جشن بهاران با اشتراک‌هایی با حال و هوای مردم ایران در بهار قرابت‌هایی دارد.

اشتراکات دینی: آیین سوگواری، عید فطر و عید قربان میان هر دو کشور مشترک است. همچنین، برپایی محافل سوگواری در محرم، سینه‌زنی و آیین تعزیه مشابه ایران است. دو عید قربان و فطر نیز مانند ایران برگزار می‌شود. برپایی نماز عید، جشن و سور و شادمانی و دیدار خویشاوندان و دوستان نیز از سنت‌های مشترک است.



عوامل اقتصادی

پروژه احداث خط لوله گاز ایران به هند از طریق خاک پاکستان: ایران قلب خاورمیانه است و به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک، از بهترین گزینه‌های انتقال انرژی گاز به هند (بازار مصرف) است (آدمی، ۱۳۸۹: ۲۵). اگر ایران و پاکستان درباره احداث خط لوله گاز به هندوستان به توافق برسند، از نظر اقتصادی به هم نزدیک می‌شوند. با توجه به اینکه امروزه بیشتر مناسبات سیاسی کشورهای جهان به سمت ژئواکونومیک (اقتصادمحور) پیش می‌روند، همین روابط اقتصادی باعث شکل‌گیری روابط سیاسی پایدار می‌شود. هرچند قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانع این کار می‌شوند.

ساختن بندر در خلیج گواتر برای دسترسی به اقیانوسیه شرق آسیا و آب‌های آزاد: هرچند ایران و پاکستان اختلافات عمده‌ای در زمینه مرزهای خشکی ندارند، ولی در مسئله مرز دریایی این دو کشور در خلیج گواتر هنوز به نتیجه نرسیده‌اند و اگر این امر تحقق پیدا کند، می‌تواند روابط دو کشور را مطلوب سازد (اخباری و نامی، ۱۳۸۸: ۲۸۶).

بندر چابهار ارتباط تجاری دریای عمان و اقیانوس هند: استان سیستان و بلوچستان از دو منطقه سیستان و بلوچستان تشکیل می‌شود. منطقه سیستان به مساحت ۸۱۱۷ کیلومتر مربع در قسمت شمالی این استان و حوزه مسطح و مسدودی است که از آبرفت‌های دلتای قدیمی و فعلی رود هیرمند تشکیل شده است. منطقه سیستان در ایران از سه شهر زابل، زهک و هیرمند تشکیل می‌شود. منطقه بلوچستان با مساحت ۱۷۹/۳۸۵ کیلومتر مربع منطقه وسیع کوهستانی است که حد شمالی آن کویر لوت و حد جنوبی آن سواحل دریای عمان است. این استان با داشتن ۱۱/۴ درصد از مساحت کل کشور، ۲/۸۷ درصد جمعیت را در خود جای داده و یکی از کم‌تراکم‌ترین استان‌های کل کشور محسوب می‌شود. در ضمن با ۱۱۰۰ کیلومتر مرز خاکی از شمال به استان خراسان، از مشرق به کشورهای پاکستان و افغانستان، از مغرب به استان‌های کرمان و هرمزگان محدود می‌شود و با ۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی در جنوب دریای عمان، به دریاهای آزاد نیز راه دارد (هادیان ۱۳۸۶: ۴۸). در جنوب استان سیستان و بلوچستان، بندر چابهار با مساحت ۱۱ کیلومتر مربع در کنار دریای عمان و اقیانوس هند قرار گرفته است. این بندر از جانب شمال به شهرستان‌های ایرانشهر و نیک‌شهر، از جنوب به دریای عمان، از شرق به پاکستان و از غرب به استان‌های کرمان و هرمزگان محدود می‌شود. بندر چابهار



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية تراسف العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۶۶

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

بهترین کرانه اقیانوسی و معتدلترین آب‌وهوا در سواحل جنوب کشور ایران و استان را دارد که با شیب حدود یک و نیم درصد به خلیج چابهار و دریای عمان منتهی می‌شود. موقعیت جغرافیایی چابهار تحت تأثیر جریان‌های هوایی گوناگون مانند بادهای موسمی مونسون شبه‌قاره هند، جبهه‌های استوایی و مرکز کم‌فشار و جبهه‌های غربی با منشأ مدیترانه است. با توجه به محسوس نبودن فصول پاییز و سبز ماندن درختان در این منطقه، فصول چهارگانه تقریباً به فصل بهار تشبیه می‌شود و از این رو، این منطقه به چابهار معروف شده است. این بندر از لحاظ عرض جغرافیایی، هم‌عرض بندر میامی در شبه‌جزیره فلوریدای آمریکا و دارای شرایط آب و هوایی کاملاً مشابه است. متوسط دمای ۲۳ درجه و میانگین آن بین ۳۴ و ۱۰/۵ درجه متغیر است و نسبت به بندرعباس و دیگر بندرها جنوبی ایران در سواحل خلیج فارس خوش آب و هوا تر هست.

بندر چابهار می‌تواند با احداث یک شبکه حمل‌ونقل هوایی و زمینی از شمال به کشورهای افغانستان و آسیای مرکزی متصل شود و این اتصال را از طریق دریا کامل کند. به دلیل همین موقعیت استراتژیک یک گذرگاه ارتباطی بین کشورهای محصور در خشکی در همسایگی شمال ایران و سایر کشورهای جهان به خصوص جنوب و شرق آسیا ایجاد نماید. به دلیل وجود این تنها بندر اقیانوسی، براساس نظریه کارشناسان سازمان ملل، ایران یکی از ۱۴ نقطه استراتژیک جهان است؛ زیرا می‌تواند منافع ۱۱ کشور همسایه ایران را درگیر خود کند (موسوی و نایب‌پور، ۱۳۹۵: ۱۸۵).

نکته مهم دیگر این است که بندر چابهار به علت خارج بودن از تنگه هرمز و واقع شدن در آب‌های آزاد و اقیانوس هند از محیط پرتنش خلیج فارس دور است و می‌تواند به یک بندر استراتژیک در مواقع بحران در خلیج فارس تبدیل شود. وجود مرزهای دریایی طولانی ایران در دریای عمان و به‌ویژه بندر چابهار که حدوداً ۳۹ درصد مرزهای دریایی ایران در دریای عمان را تشکیل می‌دهد، آن را به یک پتانسیل خوب اجرای طرح آمایش سرزمینی مناسب با رویکرد دریایی تبدیل کرده است. براساس آخرین اعلام سازمان ملل، چابهار از میان سه شاهراه شمال، جنوب، بهترین مزیت ترانزیتی را در جهان دارد و به علت موقعیت ویژه ساحلی و لنگرگاهی، یکی از ۱۰۰ بندر مهم جهان به شمار می‌رود که قابلیت تبدیل به یک بندر بزرگ و هاب منطقه‌ای را دارد (همان: ۱۹۸).



با توجه به این توضیحات، استفاده از قابلیت‌های بالقوه سرزمینی از طریق ترانزیت و جذب سرمایه‌های تجاری و بازرگانی، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های توسعه بندر چابهار و حتی استان سیستان و بلوچستان است. این در حالی است که در کنار مرزهای جنوب شرقی ایران، دولت پاکستان با کمک چینی‌ها و به سرعت در حال سرمایه‌گذاری و توسعه بندر و منطقه آزاد گوادر است. نباید این فرصت را به پاکستان داد تا کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه و افغانستان را به سمت خود بکشاند. جایگاه اقتصادی و جغرافیایی این پهنه از سرزمین ما می‌تواند نقطه اوج تأمین منافع ملی در استان و ایران اسلامی باشد. اگر سیاست، اقتصاد، جغرافیا و امنیت یک منطقه بر منافع ملی یک کشور تأثیر گذارد، منافع راهبردی در آن منطقه را به همراه خواهد داشت. بندر چابهار این خصوصیت را دارد که منافع استراتژیک را در جنوب شرقی ایران و حتی ایران اسلامی تأمین کند.

بازارچه‌های مرزی: استان سیستان و بلوچستان هفت بازارچه فعال دارد که پنج بازارچه آن در مرز مشترک با پاکستان است. شامل میرجاوه در زاهدان، پیشین در سرباز، کوهک و جالق در سراوان، ریمدان در چابهار و همچنین دو بازارچه مرزی در مرز مشترک با افغانستان (میلک و گمشاد در هیرمند) دارد که نقش بسزایی در مبادلات بازرگانی با کشورهای همسایه دارند. علاوه بر بازارچه‌های فعال مذکور تأسیس و راه‌اندازی دو بازارچه مرزی دیگر شامل پسابندر در چابهار و میل ۴۶ در زابل نیز به تصویب هیئت دولت رسیده است و در مراحل جانمایی و ساخت است.



شکل ۱. بازارچه مرزی جالق



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعه در است العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۶۸

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

در سفر هیئت دولت به استان، بررسی ایجاد بازارچه‌های مرزی جدید توسط وزارت کشور مورد موافقت قرار گرفت و متعاقب آن، ایجاد و راه‌اندازی سه بازارچه مرزی جدید در استان شامل بازارچه‌های مرزی چوتو در زهک (جابه‌جایی میل ۴۶ به چوتو)، روتک در خاش و شمسر و حق‌آباد در سراوان برای اخذ مصوبه هیئت دولت پیشنهاد شد.

ردیف	شهرستان	بازارچه	مرجع تصویب	کشور مقابل	وضعیت	تفاهم نامه با کشور مقابل
۱	هیرمند	میلک	شورای عالی امنیت ملی	افغانستان	فعال	ندارد
۲	هیرمند	گمشاد	هیأت وزیران	افغانستان	فعال	ندارد
۳	زاهدان	میرجاوه	هیأت وزیران	پاکستان	فعال	دارد
۴	سراوان	کوهک	هیأت وزیران	پاکستان	فعال	ندارد
۵	سراوان	جالق	هیأت وزیران	پاکستان	فعال	دارد
۶	سرباز	پیشین	هیأت وزیران	پاکستان	فعال	دارد
۷	چابهار	ریمدان	هیأت وزیران	پاکستان	فعال	دارد
۸	چابهار	پساندر	هیأت وزیران	پاکستان	غیر فعال	ندارد
۹	زهک	میل ۴۶ (چوتو)	هیأت وزیران	افغانستان	غیر فعال	ندارد



موقعیت مرزی و وجود بازارچه‌های مرزی، ظرفیت مناسبی برای توسعه اقتصادی مناطق مرزی به شمار می‌رود که باید به‌طور بهینه از آن استفاده شود. تأمین امنیت مرزها و راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی بین دو کشور، نقش مهمی در کاهش ناامنی و قاچاق در مرزهای ایران و پاکستان دارد.



شکل ۲. موقعیت بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان

عوامل سیاسی

نقش ایران در حل مناقشات هند و پاکستان: یکی از اختلافات میان پاکستان و هندوستان که سال‌هاست ادامه دارد، اختلاف بر سر ناحیه «کشمیر» است. کشمیر یکی از قدیمی‌ترین بحران‌های حل‌نشده به جای مانده از دوره استعمار است و با وجود اینکه برای این سرزمین اجرای قاعده حق تعیین سرنوشت در قطعنامه‌های شورای امنیت پیش‌بینی شده، اما با توجه به فراز و فرودهای مختلف و پیچیده منطقه‌ای و بین‌المللی سرنوشت این منطقه به دست فراموشی سپرده شده است. علت ناکارایی این قاعده که ابتدا با قطعنامه ۱۵۱۴ برای استعمارزدایی تصویب شد، ولی امروزه فراتر از آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، عدم وجود کنوانسیون یا معاهده بین‌المللی ویژه این اصل است. حق تعیین سرنوشت نباید با قاعده آمره «تمامیت ارضی» تداخل داشته باشد، اما امروزه بسیاری از حقوقدانان به خصوص طرفداران حقوق بشر بر این باور هستند که هیچ قاعده‌ای مقدس‌تر و آمرانه‌تر از حرمت انسان و حقوق شهروندان نیست. یکی از مشکلات فعلی خاورمیانه نیز تفسیر همین دو حرف است (عجم، ۱۳۹۶: ۱۵۹).



در مباحث علوم سیاسی یکی از مواردی که باعث تحکیم روابط و همچنین همگرایی در بین کشورها می‌شود، میانجیگری یک کشور در اختلافات به وجود آمده در بین واحدهای سیاسی است. میانجیگری ایران در حل و فصل اختلافات به وجود آمده بر سر منطقه کشمیر بین پاکستان و هند طی سال‌های گذشته از مواردی هست که می‌توان به‌عنوان گرایش‌های همگرایانه در روابط بین دو کشور به حساب آورد.

کنترل عوامل فرامنطقه‌ای: در شرق ایران کشورهای پاکستان و افغانستان قرار گرفته‌اند. افغانستان کشوری است که قریب به سه دهه دچار ناامنی و هرج و مرج شده است. با ظهور گروه طالبان، این کشور وضعیت بسیار خطرناکی پیدا کرده بود و این خود بهانه حضور قدرت‌های سلطه‌گر به‌ویژه آمریکا در منطقه شد. آمریکاییان با ساقط کردن گروه طالبان و حضور فیزیکی در این کشور، به توطئه‌چینی علیه منطقه و ایران اسلامی مشغول هستند. پاکستان هم در چند دهه اخیر به شدت مورد توجه آمریکا قرار گرفته است و علاوه بر حضور آمریکا در این کشور، پاکستان به سلاح اتمی هم مجهز است که با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در سطح وسیعی تعارض دارد.

رهبر معظم انقلاب، در دوره‌های مختلف سعی کرده با آگاهی دادن به دو ملت، از ترفند استعمارگران غربی پرده بگشاید و توطئه‌های آنها را خنثی کند تا از این طریق روابط دو کشور همچنان پایدار و استوار بماند. ایشان در همین رابطه فرمودند: «مسائل پاکستان از مسائل عمومی و اهداف و مسائل اسلامی ما به هیچ وجه جدا نیست. همیشه ارتباط مخصوصی بین دو ملت ایران و ملت پاکستان بوده است. انشاءالله روزبه‌روز هم این ارتباط مستحکم‌تر خواهد شد. در واقع، ملت پاکستان از مسلمانان پاکستان «مخصوصاً شیعیان» برای ملت ما در مسائل انقلاب، یک وزنه و یک پشتوانه بوده‌اند. از اول انقلاب همین‌طور بود، باز هم هست و ان‌شاءالله بعد از این هم خواهد بود. در پاکستان دشمنان اسلام نفوذ زیادی دارند. یک پایه و ریشه استعماری از دوران انگلیسی‌ها در آنجا هست که بعد هم به آمریکایی‌ها و به بقیه ایادی استکبار منتقل شده است. به نظر ما مبنای کار هم ایجاد تفرقه است. همان شعار تفرقه بینداز، حکومت کن که انگلیسی‌ها از اول ورود به شبه‌قاره هند طبق آن عمل کردند. من اعتقاد این است که ایمان اسلامی مردم پاکستان از بسیاری از مردم کشورهای اسلامی شاید بشود گفت که از اکثریت قریب به اتفاق کشورهای اسلامی عمیق‌تر است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از فرماندهان و مسئولین نزاچا، آذر ۱۳۸۷).

بازگویی نقشه‌های شوم توطئه‌گران غربی به‌ویژه آمریکا در پاکستان توسط ایران، یکی از راه‌هایی است که می‌تواند نقشه‌های دشمنان اسلام را آشکار کند. پاکستان هم با مهار فرقه‌گرایان متعصب می‌تواند آرامش را به کشورش بازگرداند تا از این طریق از نفوذ آمریکایی‌ها که با شعار ایجاد آرامش در پاکستان به این کشور آمده‌اند، جلوگیری نماید.

مبارزه علیه تروریسم: افغانستان که یکی از بزرگ‌ترین جبهه‌های فعالیت تروریست‌ها در جهان محسوب می‌شود، در سیزده سال گذشته که صحنه رویارویی آمریکا و ناتو با گروه طالبان بوده و خسارات بسیاری را متحمل شده است. با توجه به اینکه فعالیت گروه طالبان و گروه‌های وابسته با آن از مرزهای افغانستان فراتر رفته و بخشی از منطقه را تحت تأثیر قرار داده است، دولت این کشور از بی‌توجهی جامعه جهانی به مقابله با پدیده افراط‌گرایی نگرانی زیادی دارد. کارشناسان می‌گویند که با توجه به سابقه اختلافات میان پاکستان و افغانستان و اتهام‌های مکرر افغانستان به اسلام‌آباد در خصوص حمایت از تروریسم که مهم‌ترین عامل ادامه جنگ و خشونت در افغانستان ارزیابی شده، «محمد اشرف غنی» به‌طور غیرمستقیم به



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

نقش پاکستان در مقابله با افراط‌گرایی اشاره کرده است.

بر مبنای سیاست‌های مدرن استخباراتی جهانی، چنین پنداشته می‌شود که هدف از فرستادن گروه تروریستی داعش یا همان دولت اسلامی در عراق و شام، تخریب اوضاع سیاسی و امنیتی کشورهای آسیایی میانه، تخریب اوضاع امنیتی کشورهای همسوی روسیه شامل تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان نیز است که با این جنگ فرسایشی، اهداف آنها تحقق می‌یابد.

همچنان کشورهای جنگ‌افزای جهانی تلاش دارند تا اوضاع امنیتی کشور ایران را به کمک جنرال‌الله که در افغانستان و پاکستان پنهان شده است، خراب سازند و جنگ مذهبی سنی و شیعه را در کشور ایران دامن بزنند و با استفاده از اسلام تسنن و تشیع می‌خواهند تا کشورهای ایران، عراق، سوریه، لبنان، افغانستان، پاکستان و ایران را به یک جنگ تباه‌کننده بکشاند.

به گفته تانر «مردم افغانستان هیچ دورنمایی از زندگی مسالمت‌آمیز و مرفه ندارند، زیرا آنچه آمریکا و متحدان و اشنگتن در ناتو به آن علاقه‌مند بوده‌اند، در برقراری جنگ و آموزش نیروهای نظامی خود در یک میدان جنگ نظیر افغانستان و استفاده از آنان در سایر نقاط خلاصه می‌شود. همچنین برای ایجاد صلح و آرامش در افغانستان و نابودی گروهک‌های تروریستی هیچ‌گونه علاقه و دل‌چسبی ندارند».

افغانستان در این گیرودار، میدان خیزش بلاها و تاخت‌وتاز تروریست‌ها شده است. از این‌رو، ضروری است تا یک ستاد مشترک و یک نیروی افزارمند ارتشی مشترک میان کشورهای افغانستان، پاکستان، ایران، ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان، چین و روسیه در شمال افغانستان ایجاد شود و با استفاده از همه امکانات در نابودی گروهک‌های تروریستی تلاش شود. اگر چنین ستاد مشترک و چنین ارتش مشترک و نیرومندی در افغانستان ایجاد نشود و این گروهک‌های تروریستی از بنیاد نابود نشوند و کشورهای آسیای میانه، چین، روسیه و ایران نظاره‌گر باشند، با اشغال شمال افغانستان، توسط این سازمان‌های تروریستی شاهد خرابی اوضاع در داخل این کشورها حتی روسیه خواهیم بود. در سال ۲۰۱۴م، رؤسای جمهوری ایران، افغانستان و پاکستان در اجلاسی در تهران موافقت کردند که به‌طور مشترک با شورش و تروریسم مبارزه کنند، درحالی‌که مقام‌های غربی، پاکستان و



انجمن مطابعت جهان اسلام
Islamic World Media Association
جمعیة ترانس عالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۷۲

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

ایران را متهم به همکاری با طالبان می‌کند. مناطق قبایلی پاکستان پناهگاه جنگجویان طالبان و القاعده هستند. همچنین، مقام‌های افغانستان گفته‌اند که کشورهای همسایه ایران و پاکستان درباره امضای پیمان استراتژیک میان آمریکا و افغانستان نگران هستند. ایران صریحاً از حضور نیروهای بین‌المللی در افغانستان انتقاد می‌کند و آن را اشغال می‌خواند. ایران و پاکستان در ماه‌های اخیر در تلاش توسعه روابط دوجانبه بوده‌اند. اخیراً مقام‌های دو کشور به‌طور مرتب با یکدیگر دیدار می‌کنند (پیشگاهی فرد، قدسی، ۱۳۸۷: ۸۵).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

بحث و نتیجه گیری

در مجموع می توان گفت عواملی در همگرایی روابط دو کشور ایران و پاکستان دخیل هستند که اگر این عوامل تقویت شوند، باعث رونق و توسعه مناطق مرزی از نظر سیاسی و اقتصادی خواهد شد و دیگر ما کمتر شاهد ناامنی در نواحی مرزی خواهیم بود. امنیت در نواحی مرزی جنوب شرق کشور متأثر از روابط ایران و پاکستان است. همچنین ایران و پاکستان با برخورداری از پیوندهای ژئوپلیتیکی مانند دسترسی به بازارهای مصرف آسیای مرکزی و شبه قاره هند و اشتراکات جغرافیای سیاسی، جغرافیای فرهنگی و جغرافیای اقتصادی که با یکدیگر دارند، می توانند در صورت استفاده از این موقعیت ها، امنیت در محور شرق را بهتر تأمین کنند. در کل اگر بخواهیم در خصوص نتیجه گیری این مقاله خروجی مفیدی داشته باشیم، می توان به موارد ذیل به عنوان فرصت های مناسب در رابطه بین دو کشور اشاره کرد که اگر تقویت شود موجب توسعه سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و غیره در مناطق مرزی دو کشور شود.

• نقش ترانزیتی استان های شرقی کشور به عنوان پل ارتباطی کشورهای آسیای مرکزی با آب های آزاد و پاکستان.

• امکان استفاده از قابلیت وجود ۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی و نزدیکی مناطق ساحلی این استان با کشورهای جنوبی خلیج فارس و دریای عمان و ارتباط سریع با هند و پاکستان و کشورهای آفریقایی برای توسعه فعالیت های بازرگانی بندری و گردشگری.

• شرایط ممتاز استان برای تصدی نقش در بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی میان اروپا و آسیای مرکزی با آسیای شرقی و جنوبی و شاخ آفریقا و امکان ایجاد و توسعه مبادلات قانونی در زمینه برق و گاز.

• موقعیت استراتژیک بندر چابهار برای تبادلات بین کشورهای حوزه خلیج فارس، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی.

• انتقال گاز طبیعی از منطقه عسلویه به ایرانشهر در طرح خط لوله صلح (ایران - پاکستان - هند).

• طرح بین المللی کریدور شمال - جنوب (هلسینکی) و عبور بخشی از آن از مناطق جنوب استان سیستان و بلوچستان.



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش های باسی جهان اسلام

۷۴

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

- امکان اتصال خط آهن از زابل به مرز میرجاوه و پاکستان در پی اتصال راه آهن سراسری به زاهدان و اتصال آن به پاکستان و شبه قاره.
- وجود فضاهای طبیعی بدیع دریایی و تاریخی برای توسعه صنعت توریسم.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیان اسلام

منابع

- عجم، محمد (بهار ۱۳۹۶). «منازعه صحرای غربی و کشمیر در پرتو حق تعیین سرنوشت». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره اول، صص ۱۵۹-۱۹۴.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴). «مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی». راهبرد فرهنگ، شماره ۲۹، صص ۶۱-۹۱.
- خطابی، غلامحسین (۱۳۷۴). مرزبانی. تهران: نشر معاونت آموزش ناجا.
- واعظی، طیبه (۱۳۹۰). روابط ایران و پاکستان، روند و تحولات، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. صص ۳۴-۳۸.
- محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم (تابستان ۱۳۹۴). «واکوی زمینه‌های همگرایی ایران و پاکستان (تبیینی از سه رویکرد ژئوکالچر، ژئواکونومی و ژئوپلیتیک)». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره دوم، صص ۸۵-۱۱۰.
- حمیدی، سمیه و اشرفی گل، فاطمه (تابستان ۱۳۹۵). «واکوی روابط خارجی ایران و پاکستان در پرتو نظام بین‌الملل طی سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۷ م». فصلنامه تاریخ روابط خارجی سال هفدهم، شماره ۶۷، صص ۹۳۵-۹۵۹.
- طالبی، رضا (۱۳۹۵). همگرایی قومی- مذهبی مرزنشینان و نقش آن در امنیت مرز ایران و پاکستان. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، رشته علوم و فنون مرزبانی. دانشگاه علوم انتظامی امین.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر و بیدالله خانی، آرش (پاییز ۱۳۹۲). «تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تأکید بر عامل امنیتی». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره نهم، صص ۱۴۷-۱۸۳.
- محمدی، حمید و ابراهیم، احمدی (زمستان ۱۳۹۵). «تحلیل دوسطحی از ژئوپلیتیک واگرایی روابط ایران و پاکستان (سناریوهای آینده این روابط و ارائه راهکارهای همگرایی)». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۹، شماره پیاپی ۴۹.
- موسوی، سید محمدرضا و نایب‌پور، محمد (۱۳۹۵). چالش‌های مرزی ایران و پاکستان. تهران: انتشارات فرهنگ-شناسی. دانشگاه علوم انتظامی امین.
- کاظمی، احمد (۱۳۸۴). امنیت در قفقاز جنوبی. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۴). نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی و جهانی شده: مناسبت و کارآمدی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۴). روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها. تهران: سمت.
- کولایی، الهه (۱۳۷۷). «چالش‌های همگرایی در کشورهای مشترک‌المنافع». فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ششم، شماره ۲۴، ص ۵۸.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۷۶

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۱). «نظریه رژیم‌های بین‌المللی». فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، دوره ۵۷، شماره ۵۰۸، ص ۱۹۸.
- دوئرتی، جیمز؛ فالتزگراف، رابرات (۱۳۹۰). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: انتشارات قومس.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و قالیباف، محمداقرا (تابستان ۱۳۸۰). «راهبرد توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران از طریق توسعه نهادهای محلی». تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۱، صص ۳۹-۶۱.
- عطایی، فرهاد و شهوند، شهرد (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). «افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان». دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال هشتم، شماره دوم، صص ۸۳-۱۰۶.
- مسعودنیا، حسین (بهار و تابستان ۱۳۸۸). «بررسی علل رفتار خشونت‌آمیز نیروهای اسلامی در پاکستان با تأکید بر طالبان‌نیم». دانش سیاسی، سال ۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۹، صص ۲۱۸-۱۹۳.
- کلهر، رضا؛ امین صارمی، نوذر و نیاورانی، حامد (تابستان ۱۳۹۰). «تأثیر اقدامات بدوکی‌ها در سیستان و بلوچستان بر امنیت مناطق مرزی ایران و پاکستان». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۸۸-۲۰۶.
- آدمی، علیز (تابستان ۱۳۸۹). «تأثیر انرژی بر گسترش همکاری‌های ایران با شبه‌قاره». فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۲، شماره ۳، صص ۷-۲۸.
- اخباری، محمد و نامی، محمدحسن (۱۳۸۸). جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- پیشگاه‌هادیان، حمید (۱۳۸۶). امنیت مرزهای شرقی ایران. تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی. گروه مطالعات استراتژیک.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از فرماندهان و مسئولین نازجا (آذر ۱۳۸۷).
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و قدسی، امیر (بهار ۱۳۸۷). «بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیک پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها». پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، صص ۸۱-۹۹.
- صالحی، مجید (پاییز ۱۳۹۶). «اصول و مبانی همگرایی امت سلامی از منظر قرآن». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره سوم، صص ۶۹-۷۳.
- Reinicke, Wolfagan (1994). Cooperative security and the political economy at nonproliferation. Washington: the negie endowment publication
- Ali Khan, Zahid (2004). Pak-Iran Relation in Historical Perspectives. In S. M. Hassan, and S. A. Raecissadat, Pak-Iran Relation in Historical Perspectives, Peshawar: Culture Center of Islamic Republic of Iran.
- Montazeran, Ahmad & Mumtaz, Kashif (2010). Iran-Pakistan: Cooperation for regional Stability, The Institute of Strategic Studies, Islamabad: Availabel at: <http://www.issi>.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

org.pk/journal/2004_file_s/no_1/article/3a.htm

Tanner, Stephen (2003). *Afghanistan: A Military History from Alexander the Great to the fall of the Taliban*. Cambridge: Da Capo Press.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۲۰۳

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

کیانی، جواد؛ زرگر، علیرضا؛ بنی مسنی، محمد؛ رشید حفظ آباد، موسی (۱۳۹۸)، «بررسی عوامل همگرایی در روابط ایران و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت نواحی مرزی» *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س ۹، ش ۲، تابستان ۹۸، صص ۷۸-۵۳



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۷۸

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸